

## آنجا روزی باغ خواهد شد

آنجا روزی باغ خواهد شد

باغی

که کودکان کود کانتان

در آن

بازی خواهند کرد

ما قول نمی دهیم

سعی خواهیم کرد

زمانی را

که بچه های بازیگوش

در میان گل سنگ ها

از پی پروانه ها

جست و خیز کنان می دوند

ودامون

برای دیدن قله ی کوه

سرش را بلند خواهد کرد

و مادر

که دیگر خیلی پیر شده است

خواهد گفت :

« تو

پدرت را دیدی !»

و تو

و همه ی شما

دیده خواهید شد .

روزی زندان شما باغ خواهد شد

ما

قول نمی دهیم

سعی خواهیم کرد .

ما باید

آزادی را یاد بگیریم

و آزادی را یاد بدهیم

ما باید

دوستی را یاد بگیریم

و دوستی را یاد بدهیم

ما باید

تقسیم کردن را یاد بگیریم

شادی ها مان

دردها مان

نان ، عشق و قدرت مان را

و

تقسیم کردن را یاد بدهیم

ما باید

نگاه کردن را یاد بگیریم

دیده شدن ، حرف زدن ، حرف شنیدن

ما باید

صداقت را یاد بگیریم

و حقیقی بودن را

یاد بدهیم

ما باید  
جهان خود را بشناسیم  
و ساختن را یاد بگیریم

می بینید  
ما  
کار بسیاری در پیش داریم  
نه  
ما قول نمی دهیم  
ما سعی خواهیم کرد .

آن زمان  
دیگر  
هیچ کس  
باغ ها را زندان نخواهد ساخت

و زندان ها  
قتلگاه شما  
میدان های تیر  
سلول های انفرادی  
اتاق های شکنجه را  
حتی  
حتی موزه ی آثار وحشیگری نخواهد کرد

وقتی یاد بگیریم  
دیگر یاد آوری خشونت گذشتگان هم  
به کارمان نخواهد خورد

و شاید

کودکان کودکان مان  
یاد بگیرند  
که هر گاه  
پروانه ای در میان گل ها دیدند  
فقط

از دیدنش لذت ببرند  
که اگر  
گل زیبایی در کنار رود دیدند  
آن را نچینند  
و برای کبوتری که روی دیوار خانه خواهد نشست  
دانه بریزند

از همبازی های تازه نترسند  
از ندانستن نترسند  
زیرا  
هیچ کس آنها را تحقیر نخواهد کرد  
دیگر دروغ لازم نیست  
هیچ چیز  
جز صداقت  
دوستی

مهربانی  
نمره ی بیست نمی گیرد  
و هیچ چیز  
جز دروغ  
خشونت

نامهربانی  
نمره ی صفر نمی گیرد

ما باید  
یاد بگیریم  
به چه چیز نمره ی بیست بدهیم  
و به چه چیز  
نمره ی صفر

ما باید  
ارزش ها را یاد بگیریم

ما باید  
زمین مان را  
دوباره شخم بزنیم  
و دوباره  
بذر بکاریم .

آن ها  
زمین ما را خراب کرده اند  
باغ ها را زندان ساخته اند  
روستاها را پادگان  
و با بمب های شان  
مزرعه ها را سوزانده اند  
و خانه ها ، خیابانها ، شهرها و کشورها  
مردم  
و کودکان را مسموم کرده اند  
و دشمنی را  
میان ما رواج داده اند

نه  
نه ما قول نمیدهیم

ما  
سعی خواهیم کرد  
که تا یاد نگیریم  
دوست نمی شویم  
و باز  
دشمنی خواهد ماند

آنگاه  
باید دوباره در مخروبه هائی که آن ها ساخته اند  
که خود  
خواهیم ساخت  
مردن یکدیگر را نظاره کنیم .

آه کودکان آینده !  
که در جنین مادراتان رشد خواهید کرد  
هنگامی  
که بر دشت های سبز آینده دویدید  
به قله های دور دست نگاه کنید  
به آسمان نگاه کنید  
به رودها  
و به زمین زیر پایتان  
نگاه کنید

شما مغرور خواهید بود  
زیرا  
هیچ چیز  
برای سرافکنندگی  
نخواهید داشت .

